

سازمان بیکار در راه آزادی طمغه کلرگر

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- مراسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام صفحه ۱۶
- بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دورس در مشهد صفحه ۱۶
- روز به روز جنگ مقاومت در کردستان صفحه ۵
- بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲) صفحه ۷

در رابطه با نغمه‌های "سود و سزه" مخوانید:

«لغو سود و بهره» و حزب جمهوری اسلامی

لغو سود و بهره و جناح‌های هیئت حاکمه "وزیر کار" در جلسه شوراها کارگران چه گفت؟ صفحه ۳

فلسطین در جمهوری اسلامی هم "لحاف ملا" است

● آیا میدانی روز قدس هیچ ربطی به مبارزات خلق فلسطین ندارد؟!

در هفته گذشته هیاهوی بسیاری بر سر حجابات از "قدس" و "مردم" واره فلسطین برپا بود و دولسمردان جمهوری اسلامی هر چه توانستند در باره "حما بیثان" از "قدس" سرزبان راندند بطوریکه اگر کسی از ما هیئت قضا با ما سخنرانی می‌کند می‌تواند خیال کند که در پشت این سرودها حقیقتی هم نهفته است و جمهوری اسلامی واقعا به قضیه فلسطین کمک میکند

مسئله فلسطین که یکی از عادلانه‌ترین مسائل در مبارزات خلق فلسطین است همواره مورد پشتیبانی سازمانها و احزاب راستین کمونیست و ترسورهای انقلابی در سطح جهانی بوده است. سازمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی ایران نیز تا بحال با حمایت و شرکت مستقیم در نبرد عادلانه خلق فلسطین، نشان داده اند که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران متحد خلق فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم و ارتجاع می‌باشند. بسیار بود در رفقای کمونیست و انقلابی که در کنار خلق فلسطین رزمیده اند و در کنار خلق فلسطین و با دربار زکات به ایران بدست رژیم جلادها همه شهادت رسیده اند.

از طرف دیگر مبارزه عادلانه خلق فلسطین همواره از سوی نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب مورد سوءاستفاده بوده است. اینرا کسانی مانند آیت الله خامنه‌ای بقره در صفحه ۸

در شهر سنندج، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟ صفحه ۱۱

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون بیاوه‌های شیخ محمد منتظری

حق شناس: شیخ محمد منتظری با حاکمیت مبنی بر مذهب و حکومت و اندیشه و روش راسا بر ضد ... صفحه ۱۱

سرمایه‌گذارهای امپریالیستی در شوروی سوسیال امپریالیستی

در طی سالهای اخیر امپریالیستهای غربی، ژاپنی و روسی سرمایه‌گذاران روسی و شوروی را در دهه‌های گذشته و در دهه‌های اخیر از سرمایه‌گذاران روسی و شوروی به سرمایه‌گذاران غربی تبدیل کرده‌اند. این سرمایه‌گذاران روسی و شوروی چه جیب؟ چرا کشوری که به قول سرسبز می‌شود "سه مرغی" باز در دره‌های فقر و محنت و تنگنا "مادی وحشی کمونیسم" رسیده است (۱) همواره محتاج سرمایه و وام و تکنولوژی امپریالیستی غربی می‌باشد. پاسخ این پرسشها در این نکته است که شوروی سوسیالیستی لیبرال و اصلاحات پس از استعاره روسیوسه خروصحنی بردستگاه حزبی و دولتی و استعاره سرمایه‌داری احصاری دولتی به کشوری سوسیال امپریالیستی تبدیل میگردد. پاسخ در این است که در این کشور با حکومت تمام عیار روی سوسیالیسم دیکتاتوری بولتاریا و ساختمان سوسیالیسم ناپورده و دیکتاتوری بورژوازی استعرازی می‌باشد. برای اینکه مطلب در همین حد کلی‌نمایی نمایندگی را توضیح داد اما در اتحادیه‌های اتحاد همه جانبه و اقتصاد کوری شوروی نسیم، مادر روح سرمایه‌گذاران و امپریالیست‌های خارجی در این کشور می‌خواهم به چند مسئله محصور نگاه می‌کنم. سطر ماس بنده دارد و حبه قابل توضیح اند. بنده در صفحه ۹



ماهیت حزب توده تغییر یافته یا ماهیت (اکثریت) فدائیان

آیا واقعا کار انترناسیونال دوم به پایان رسیده است؟ تا کارا کونکی همزم مارکس و انگلس رویزبونیت، دشمن انقلاب و نوکر بورژوازی شده است؟ آیا احزاب سوسیال دمکرات که بیش از ۳۰ سال بنیاد طبع کارگزار اروپا رهبری کردند سوسیال امپریالیست شده اند و یا آنطور که روزا لوکزا می‌گوید بک لانس

معنی تبدیل شده اند؟ واقعتا دسوازی است. هواداران و اعضای ده انترناسیونال دوم پروتسارهای انقلابی اروپا با جد سواری با این حقیقت روبرو می‌شوند. بلخ است اما واقعتا دارد و حسی است که کلسی در میان می‌دهد: به هر کجا که بوده‌های سوختم رده بنده در صفحه ۲

چرا رژیم جمهوری اسلامی بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان را سرکوب می‌کند صفحه ۱۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سقبه از صفحه ۱

ماهیت ...

نست به این رهبران خاش وجوددارد و سردار و سوار و ...
ماهیت گریه این دشمنان نوپای طبقه کارگر را توضیح
دهید. کارگزاران و دیگران که اعلامیه سال را امضا
کرده و تعهد کرده بودند در صورت جنگ جهانی این جنگ
را به جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خود بدل سازند
اینک یا رویا و رویوگر بورژوازی خودی شده اند و چنین
است که با یستی به هواداران آنان توضیح داد که
این احزاب، احزاب سابق و ریزین نیستند جدید خوانده میشود
با رکیست سابق و ریزین نیستند جدید خوانده میشود
احزاب سوسیال دمکرات دیگر به مرداب بدل شده اند
دیگر این احزاب چشمه ها می نیستند که طبقه کارگر
را سیراب سازند. گندابی هستند که زالوهای بورژوازی
تربیت میکنند. نه مرداب های گوزنها نیستند حایگاه
قورباغه ها است. این است حقیقت تلخ این حوادث
با رها در تاریخ تکرار شده و احزاب انقلابی به احزاب
ضدانقلابی بدل شده اند. با ران درین انقلاب به
دشمنان آن تبدیل شده اند. سازمان جریکهای فدائی
خلق بعنوان یک سازمان انقلابی در میهمان سرای
توده ها آشناست. پویانها، احمدزاده ها، مومسی ها،
مهرنوش ابراهیمی ها، مرضیه احمدی اسکویی ها،
نا بدل ها و ... "ما می سیاه کوجولوها می" که میگویندند
را همیوی دریا بیابند. انقلابیون دلاوری که هر چند
بسی تجربه، هر چند دارای اشتباهات، انحرافات غیر-
پرولتاری فروان اما با عشق بی پایان به انقلاب و
خلق و کینه ای بی پایان علیه دشمن طبقه ای، جان-
با زانه شکنجه و تیرباران شدند و با خونشان سنگفرش
خیابانها را رنگین کردند. آری سازمان این انقلابیون
مارکسیست احترام بسیاری از توده های ما را جلب کرده است.

اما سازمان جریکهای فدائی (اکثریت) آن سازمان
انقلابی (ولی دارای انحرافات غیر پرولتاری) نیست.
فدائیان آن سازمان به توده ها ایمان داشتند، به
خلق و انقلاب عشق میورزیدند، اما اکثریت فدائیان
اینک از انقلاب و توده ها میترسند و بیدمان بورژوازی
گریخته و میگویند دست در دست بورژوازی بر علیه
توده ها و انقلاب توطئه کنند. ما پیش از این نشان
داده ایم (در زمینه های بیگانه های ۵۷ و ۶۴) که چگونه
فدائیان (اکثریت) به انقلاب خیانت کرده اند. در
اینجا ما نمیخواهیم در این باره سخن بگوئیم فقط
میخواهیم استحال فدائیان را از یک سازمان انقلابی
به یک سازمان فدائیان انقلابی در نحوه برخورد به "حزب
توده" روشن کنیم.

شماره های کار را تا ۵۹ ورق بزنید. در مورد حزب
توده فدائیان چه میگویند؟ هر چند این سازمان در مورد
حزب توده بمتاب کارگزار سوسیال امپریالیسم شوروی
فاقد تحلیل مارکسیستی بود ولی اعلام میداشت که
حزب توده خاش و ریزین نیست است. میگفتند بزرگ-
ترین خطا اصلی برای کمونیستهاست و ...

ولی "اکثریت" بدنبال یکسری تدارکات مقاماتی
در کار ۶۸ و قیضا میگویند:

"بدنبال تحریکات گروهی تخریب و آشوب در
روزهای اخیر موج جدیدی از حمله به نیروهای
سیاسی و فدائیان ما نهی خدا میریالیست و
ترقیخواه آغاز شده است. این حملات بخصوص حمله

به دفتر "حزب توده ایران" تکرار میگردد ...
میکنند که ... (با کدرا ما ست. مماله حمله سه
دعا بر ما نهی سیاسی را محکوم میکنیم.)
حزب خاش توده خرسی که ما بر علیه توده و
ما مردم بر ضد مردم ما طبقه کارگر بر ضد طبقه کارگر
عمل میکنند، اکنون سرخشی و صدام بر ما نیست نگردد.
بر اساس ما حزب توده عوض شده است! نه! هزار
بار توده می. بیسم با هم حزب توده بر علیه خلق کرد
چنین کارگری، دهفاسی و سرروهای کمونیست و انقلابی
توطئه می کنند. در سورس به رجمتکان و نیروهای
انقلابی با ارتجاع همدست میشوند (مثلا در راهما می
بر علیه با مصالح ما فقس سعی "مخادین خلق"
شکست میکنند، ما رزه خلق کرد را به ما لزمنا نهی است
مدهد و ...). و دسان غرقه در خون رژیم جمهوری اسلامی
را میثوبد ... حزب توده کماکان همه توطئه های خود
را بر علیه انقلاب و رجمتکان و انقلابیون با حدیث
بیشتر داده میزند و علاوه بر این حزب همچنان در حدیث
به سوسال امپریالیسم شوروی با ما مقوا میگوید.
پس حزب توده تغییر می کرده است این سازمان
فدائیان (اکثریت) است که تغییر کرده و همسوا با حزب
توده بر علیه خلق کرد، بر علیه رجمتکان و سرروهای
انقلاب و خلاصه بر علیه انقلاب سنگر گرفته است. و چنین
است که حزب توده ای که پیش از این "خاش و ریزین-
نست" بود "اکتون" "فدا میریالیست و ترقیخواه"
نامیده میشود و اینک مقدمات را می بیند تا با اتحاد
با حزب توده، متحد کارگزار سوسیال امپریالیست
و سرگرد و سر ضد انقلاب ایران متحد عمل کنند.

سخنی با هواداران اکثریت:

دوستان!

اکثریت شما هنوز چشمه سبب انقلابی فدائیان
غرقه در خون شهید و خسته اید. اما دوستان، این فدائیان
آنان نیستند. کسانی که نام آنان را اکنون بدک میکنند،
ریزین نیستی می هستند که میخواهند طبقه کارگر و
توده های خلق ما را به کاری ارتجاع ببندند. شما در
عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی تحت فشار، زندانی،
شکنجه و تیرباران فرار دارید و آن ملجوع مرجمت
و بوسندگان آستان بورژوازی و نظیر کمند جنایات
ارتجاع میباشند. در شمار ۶۸ کار می بینیم که دو تن
از شما هواداران را همین رژیم با مصالح مدامبرالیست
و خلقی جمهوری اسلامی تیرباران کرده است، اما می-
بینیم که کمسته مرکزی (اکثریت) چه رفتاری با این
بیدادگای ارتجاعی دارند. هنوز چون عزیزان ما
فرا مرز حمید و عبدا لله قزل خشک نشده که سازمان فدائیان
(اکثریت) همان بیدادگای ملجا و بینا هکا - خود
می سازند و همان بیدادگای برجمیت می شنا سدوسر
علیه روزتا ما اطلاع است "داستان کل دادگای
انقلاب (؟)" بلای ایران "بنا می سرنده و بیجانند
این کثیف ترین بیدادگایها را که خون دهها کمونیست
و انقلابی دمکرات و رجمتکان کرد و کارگران بیگانه
و ... از درودسواران می چکد برسمیت میباشند و آنرا
به حکمت می طلبند. این شما هستید که مورد آزار و
اذیت و حتی تیرباران قرار می گیرید. اما رهبری
ریزین نیست و قیضا نه به استانبولی فاتلان و شکنجه-
گران شما می رود.

دوستان!

مرد خا بلیوس و سملتی در دادگاه اهلطاسی حاضر
بود. سلطان که با دمان ببحورد انداخته از دمان
سرف و سجد می کند. مرد سملتی در وقت دمان
سرود می سازد و آرا سوده پستی تلخه دمانکند. سلطان
خون آرخوردن دمان سر سوده و کس با دمانکند
سملتی و دسا با دمان می سسد. مرد سملتی با دمان
را بدرین طقام عنوان میکند و دسا به آن سسارد.
سلطان بر می آسود و می گوید سوهس دود سسه سس
با دمان را سسودی - مرد و سسنا به میگوید میگویند
هسم و به نوکر ما دمان.

وا سگ رهبری ریزین نیست فدائیان (اکثریت)
مخوا هدهو داران را اسکوه سسب کند. او میخواهد
بوده های هواداران را بر اساس روحه ای کار سسنا نه
در سسار سسور سسوزی ریزین دهد.

اکتور در سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی
سسد (بی آنکه ما سسب حزب توده سسوزی سسنا سسد)
امروز رهبری ریزین نیست آرا "سرمی" سسنا سسوه
دفاع آرا بر می سسود می خوا هدهو داران سسز
حسن کند و هر چند در مورد دمان (انساح حزب توده!)
کسسد. هواداران سسوزی سسنا سسد.

اما ما مطنس هسسم که اکثریت هواداران متعلق
به خلق توده رای روحه ما رزه حوا به علیه ارتجاع
حاکمی سسند و چنین است که سسنا ما فاطمت کف
دوستان اس فدائیان، فدائیان سابق نیستند، چرا؟
به اس دلیل مشخص که سسنا سسوزی سسوزی سسوزی
آنان از انقلاب دیگر حرف نمی زنند تحلیلیشان در
مورد حاکمت (هر چند در گذشته نیز دارای اسحراف بود).
اس نیست که امروز می گویند، سسنا در مورد
شوروی، در مورد حزب توده به فقیرا رفته است. این
اکتور فدائیان هسسد که دیگر نظرات گذشته خود را
بسوز سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی
وا قیعت دارد. فدائیان (اکتور) سسب هدهو سسوزی
نگهدارها بتدریج در حال تبدیل شدن بیک گنداب کامل
میباشند. دوستان، این گنداب و مرداب جایگاه "تور سسغه های
خروشچی" است (اصطلاح رفیق فدائی شهید نا بدل در مورد
شوروی) و به جایگاه کمونیستها و انقلابیون سسنا
بکدار اکتور فدائیان برای حزب توده مدح و
شنا سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی
خلق سسنا ما سسنا ریزین سسنا را هر کفر فراس
نخوا هدهو. اکنون سسب شما سسب که با اس سسنا
مرز بندی فاطم کند. دوستان مرداب کللیای لاله را
می بزمرد. به آن سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
ساک حوا هسنا. اما چون از مرداب کدر کرد، سسوزی
سسنا سسنا را آلود. سسنا سسنا کذرا سسوزی سسوزی
باسستی از سسنا سسنا سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی سسوزی

توضیح و تصحیح:

در بیکار ۶۵. ضمن تجلیل از رفیق سسوزی سسوزی سسوزی
از او بعنوان "بیکار" یاد شده است. ما آوری می-
کنیم که رفیق بیکار کمونیست هوادار "خط ۳" سسوزی
وا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
هنجس در بیکار ۶۵ صفحه ۸ ستون سوم سسوزی
اسسنا حوا سسده ... ما سسنا سسوزی سسوزی سسوزی ... که
صحیح آن " ... ما سسنا سسوزی سسوزی سسوزی ... میباشند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه از صفحه ۳

شورای انقلاب ...

کارآمدن بیوسنه در جهت منافع سرمایه داران و سرکوب مبارزه کارگران و زحمتکشان قدم برداشته و برمیدارد. بعد از زیا مرهبری دولت به دست کارگران (لیبرال) افتاد. و دیدیم که آشکارا رژیم گذشته به پشتیبانی می کرد و نظام سلطنتی را بدون حکومت ساه منتها همان فواین و راهبردی و رسم گذشته خواهان بود. رژیم جدید کوچکترین دینی به ترکیب سازمانی ارتس ضد خلقی نزد و همچنان آنرا برای سرکوب مبارزات مردم زحمتکش محافظ نمود. در دوره سازگان بود که مبارزه با دالنه و برحق کارگران کارخانه مینو، درخرم، دره، زنجان به خون کشیده شد. مبارزات کارگران سبکبار در تهران، اصفهان، ... بهرگبار رگلوله بسته شد و در نوروز به عنوان عیدی طفه سرمایه داران روزیم حاکم، بمب های آتش زانوتوب و سانگ به خلق کرده شده شد. رژیم با تمام فوایش جهت سرکوب مبارزات خلقی کرد. اقدام نمود تا از منافع ملاکین و سرمایه داران دفاع کرده و جلوی هرگونه تحا و زینه سرکوب سرمایه داران را بگیرد. همین رژیم بود که کوچکترین قدمی در جهت مبارزه سرمایه های سرمایه داران و اسامه در ایران به عمل نیاورد و در همان ابتدای روی کار آمدن، ۵ میلیاردریال وامه آنها داد تا در عوض سرمایه های کلانی که از ایران خارج کرده بودند، دوازده چرخ صنایع وابسته به امیریا لیسرا به گردن در آورند و در مقابل، او مانا چیز کارگران سبکبار را قطع کرد. و دینی که یکی از خواسته های مهم کارگران، محاکمه و محاربات سرمایه داران فراری بود، و سر دولت با اصطلاح انقلابی در اجتماع کارگران رسماً اعلام کرد که "هرگونه محاکمه با بازگشت سرمایه داران فراری، یک سوطه شد".

کارگری است ۱۱/۱۲/۳/۵۷ و آشکارا از منافع سرمایه داران فراری به دفاع برخو است. همچنین در دوران دولت سازگان بود که هرگونه تظا هرات سرکوب میشد، جنگهای برادر کشی به حلیس کرد، ترکمن، عرب، ویلوج و... تحمیل گردید و دهها شهید به جای گذاشت بعد از زنگان، برای یک دوره، رهبری اوضاع به دست شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی افتاد. در این دوره نیز هیچ کاری صورت نگرفت و روال گذشته ادامه یافت. همان اوضاع فبلی دوباره تکرار شد. حمله به کردستان با شدت بیشتری آغاز شد. کتاب سوزانها شروع شد و نظا هرات و اعصاب به خون کشیده شد. بعد از بنی صدر رئیس جمهور شد. کشتار کارگران ادامه یافت (اصفهان، اندمشک درود و... و حمله به کردستان دوباره شروع شد.

اگر در بعد از قیام، همچنان قانون کار آریا مبری در کارخانجات اجرا میشد و شورای با اصطلاح انقلاب و دولت انقلابی، کوچکترین قدمی در جهت تقویت بین قانون ارتجاعی و ضد کارگری برنمیداشتند، در دوره بنی صدر ضد کارگری بجای آن باقی ماند.

در مقابل مبارزه و فشاری که کارگران برای برقرار شدن ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دادند، هم شورای انقلاب و هم دولت، این درخواست برحق کارگران را که به ضرر سرمایه داران بود رد کرده و آنرا "سوطه عارضه ضد انقلاب در میان کارگران" جلوه دادند.

این رژیم و منجمله شخص بنی صدر، کوشش فراوان

سکا رسیدند تا از احداث شوراهای کارگری جلوگیری عمل آورند و برای این منظور ششماهه شوراهای کارگری دولتی را منسوخ کردند که ما دفاع و سرمایه داران بود. اما هرگاه که کارگران آکا هر بودند و در سحبه احداث دبسری داشتند، رسم سوانس کاری ارتس سرد. بنی صدر آشکارا در جهت دفاع سرمایه داران گفت: "شورای سورا، سورا سورا مالند" ماده ۳۳ که اخراج کارگران را تحت هر شرایطی مجاز میداند. هر چه هم با ساحت و رسم عملاً آنرا اجرا در مساوره. سطح حقوقها و اصفا نسبت هر سه رندگی، و کراسی کم رسکی ناس است. رسم کوس می کند ما راهبه مملکت را سردس کارگران نگدارد. سوطه لفسود و سره و بر داحت س۲ ما حقوق نحای سوده و سوده عدی سان دهده، دفاع آشکارا سرمایه داران است. حراسه دار رگدب سن ۱۲/۵/۶۷ سال ارتسام، هج معاوسی در رندگی ما کارگران حاصل شده است! اجرا دهقانان سی رمن مساسد! اجرا رمنس داران و سرمایه داران سرگی سلب مالکیت نمسود! اجرا سرمایه های امیریا لیسری مساه دره نمسود! اجرا فروش سائکها راه امیریا لیسرا بردا ح می کند! اجرا کارگران مارر و آکا هرا بریدن می اندازد! اجرا سوره های کارگری وسدنگ های واقعی را برهم میسرد و جلوی کارآهرا میگرد. آزادی های سیاسی چه! اجرا دوباره، حوادن اعلامه ها حرم و بریدن و سکه چه! اجرا! حوات همه سنی سولات را با بد در ما هراس رسم بندا کرد.

همه اجرا، هیئت حاکمه، چه دولت چه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، همه دشمنان مردم خورده کارگران و زحمتکشان را محاصره کرده و حرامی ارتسام دفع سرمایه داران دفاع نمکند.

این هیئت حاکمه میخواهد و بیه سوانس در حواسهای کارگران و زحمتکشان با سح دهد. برسانان به ما سده کارگران و مردم زحمتکش، سبک ساف سده سرمایه داران و رمنس داران هستند. و برخی از آنها ساسده و سوکر امیریا لیسرا می ساسد (کسانی ساسد نهیسی، قط زاده، آبت، مدسی، سردی، و...)

درون هیئت حاکمه عمداً دو جناح وجود دارد، یکی جناح به اصطلاح لیبرالها، برهبری بنی صدر و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی، اولی سسر در ارتس، در ادارات دولتی، و وزارت خانه ها، قدرت و نفوذ دارد و دیگری در سپاه پاسداران، نادانگه های انقلاب، شورای انقلاب، مجلس سورا و غیره. اینان هر یک سعی میکنند دیگری را از حیطه قدرت کنار بزنند و خود جای آن را بگیرند. اما سر در ... حواهان سرکوب مبارزات کارگران و مردم زحمتکش مینباشند و در این زمینه صدر مرد با هم موافقت، منتها یکی سیاستی در سرکوب، چماق و بیان شیرینی است، و دیگری، تنها سیاست چماق و سرکوب خونین و کوررا در نظر دارد. اما هر دو آنها به شیوه خودشان سعی می کنند "نظم" و "امنیتی" در جامعه بوجود بیاورند که تحت این نظم کارگران و زحمتکشان بیشتر استنار میشوند و مسود بیشتری به جیب سرمایه داران برود، یعنی هم جناح بنی صدر و هم جناح حزب جمهوری اسلامی هر دو در دشمنی با طبقه کارگر و مردم زحمتکش وحدت نظر و عمل دارند. تصویب قانون جدید، یعنی لغو سوده ویژه نیز جدیدترین اقدام ضد کارگری آنها است

بقیه از صفحه ۳

لغو سوده ویژه ...

سوجه سبکه اعراض کارگران را غلبه لیسوا سوده و برهنا کز سومی دسد، اولاً برای سوه، اسفاده از اس اعراضات بر علیه جناح دیکرو و صحت آن و سبیا س اعراضات گسایدن مبارزه کارگران و مسرتی طسوه دادن خود، دست به کار شده است.

مگر حزب ارتجاعی خلق مسلطان، بره رهبری سر سمداری سوده که از حرکت اعراضی مردم تهرمان سر بر می حواس به دفع خود اسفاده کند و جناحی دیکر قدرت را ضعف ساید، این سار نیز حزب جمهوری اسلامی است که از حرکت اعراضی کارگران می حوا دس سرت س اسفاده را به دفع خود میکند.

اما انسان کور حوا دده اند، بر انا سوجه اسفا کزی کارگران آکا هوسا روسا رمانهای طرفدار طبقه کارگر، یعنی سارمانهای کمونسسی، این نسخه های ارتجاعی نفس سرت حوا دسد.

همانطور که کارگران در عمل نشان داده اند، اسبیا سرت سار را اده مه خوا هسد. کارگران مارر، سافسای این سوطه سد کارگری، یعنی لیسوا سون سوده ویژه، سافسای حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که در جهت سهر برداری ارتس سارمانتی نه دفع خود مساسد، سافسای انجمن های اسلامی که سجم کوس حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات می ساسند، در جهت جلوگیری از سفا حراف کسای سده سدن مبارزه کارگران نکوسد.

سوره های فلابی اسحمسای اسلامی محصل ساسد گردد ساسودا س سوطه های هیئت حاکمه بر علیه کارگران و زحمتکش رسده با دا سحده کارگران ارتس سراسی ارتجاعی سواسی ارتجاعی

بقیه از صفحه ۳

اعلامیه سازمان ...

اسلامی در رابطه با ارتس ضد خلقی و سرکوب خلق کرد، دسگانه اداری و سواکی ها، کارگران سکار و سرمایه داران اناره کرده و در آن آمده است:

رسم جمهوری اسلامی برای ما من منافع سرمایه داران هیچ را ددگری سدا سحراسه کسفا اعراض سسما حاس (حی حاسی سرت آسما ساسد کوس و ساس) و ساس کم کردن حقوق و مزایای کارگران، سطح رندگی کارگران و زحمتکش را به سد پائس ساس و رده و آسها را به رورسا دسد. در پان سال گذشته رسم کوس کرد ما سطح سوده سوره کارگران به حسب سراسر پول. سرمایه داران حدی سسری کدولی آر آنجا که در آن زمان مبارزات کارگران ارتس سح بالائی بر حوردا رسود موسی سدان کار را سطور کار عمل اسامه دده و معط سواسد در سیمی حا ها که سطح مبارزات کارگران پائس سوده سده سسری سده آسها سرتا زدو در پان سال سدا دسسا رسادی ارتکارگران آکا ه و سار زگا رخانجات ساسرون کند. سسسی، عسوسورای رهبری حزب جمهوری اسلامی و عسوسورای انقلاب در همان زمان طی مساحسای گفته سوده که سوده ویژه طاغونی است و ساسه حذف شود ولی حالا، زمان سسب و ساس ترتیب لغو سوده ویژه را به "زمان سساستری ماکول کرده بود.

بقیه از صفحه ۱۴

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بمناسبت ۱۴ مرداد:

جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲)

کودتای ارتجاع محمد علیشاه و خیانت‌های سازشکاران

محمد علیشاه و درباریان مرتجع و ی که سرما رشی با "رهبران" مشروطه‌ها سند و بیهوشی از اربابان امپریالیست روسی سیاست سرکوب‌نامه عیار را برگزیده بودند با رهبران آغا ز حکومت دربارک موطئه‌وسنگ - اندازی بر علیه مجلس شورای ملی و در جهت خفه کردن مبارزات انقلابی در نقاط مختلف کشور و بوسه زدن آذربایجان میگویند. پس از مدتی محمد علیشاه رسماً از بانک معزول دعوت نمودن از خارج منظور اشغال مجدد بیست و نوزده ساله ایران آمده و ما موربست سرکوب بی‌امان اسلایسون مشروطه‌خواه را سرعیده بگیرد. از جانب دیگر سازشکاران همچنان سرگرم اخلال در کار اسلایسون و باردا شس بوده‌ها از حرکت انقلابی بودند. ما ورود مجدد بانک معالمت مرتجعینی خون شح فصل اللهوری افراشته‌ایم.

انقلابیون در مقابل سانسکیها و روشهای سازش - کارانه رهبران حسن مشروطه همچون سپهها سپهسا و طباطبائی‌ها مستغما به شیوه‌های انقلابی و قهرآمیز مبارزه بر علیه ارتجاع موصول می‌شدند. در سرسبز - دسه‌های هدا نشان بوجود آمده و "مرکز عینی" سرگرم مسلح ساختن مردم بود. کمکهای اسلایسون معمار (سوسال دیکراسها) افراشته می‌سافت. اوصاع انقلابی سرسبز سراجا کم بود و مردم بهرمان اس سپهر به استقبال و پیشینسای از دسه‌های مسلح مشروطه - خواهان و محاهدس انقلابی آماده می‌مستند.

جناناب محمد علیشاه و مزدوران او با عنث سدید مبارزات بوده‌ای میگردند. فرار دادا سرتبار ۱۹۰۷ که حاصل توافق میان امپریالیستهای روس و انگلس بر سر تقسیم ایران بود پس از بیس خسرو اعزامات بوده‌ای را دامن رد. موطئه‌های دربار سازشکارگری دسه‌های مزدور مسلح و غیر مسلح بر علیه اسلایسون مشروطه خواه اوج گرفت. در پی اسن اوماع و احوال احسن سربز که ارامه اسلایسونی بیگسیری سرچو در سودپی محاسره سلگرا می نه همه سپرها محمد علیشاه را اسلایسون طلع نمود. اس کارا راجات انجمنهای ساری از سپهسای دیکر سرتبار آمد.

بالاخره محمد علیشاه برای تکمیل موطئه‌های سرکوب خود منظوراً نام کودتای هدا انقلابی بر علیه مشروطه خواهان به معناه رفت ورسون خود را که سازشکارهای فرای روسی سحت فرما سدهی لبنا حوف در راس آنها بودند برای سحر مجلس کسل داشت. محاهدس و هدا نشان مسلح و ساری ارسوده‌های مردم در مقابل مجلس در میدان بهارسان احصاع کرده و آماده دفاع بودند. اما سانسکیان آت اللطباطبائی همرا دعه‌ای دیکر "رهبران" سازشکار را به تحارمه و اامرا مردم را مغرور با حسد. در سبب هکام سررسدن فراتان ارتجاع سپه عده کمی ارمحا هدی مسلح در آنجا می آمده بودند و بعد ارسود سوسی سانسکیه عتق سستی کردند. کودتای محمد علیشاه سانسکاران مجلس سسروری رسد و مشروطه خواهان دجاریکت سخی کردند.

قیام تبریز و تسخیر تهران

در سرریز کاملاً وضعیت انقلابی برقرار بود و اسلایسون مسلح جان برکف با حمایت کامل توده‌های به مبارزات خود شدت بخشیده و جنبش انقلابی را به پیش میبرد. آنان چندین بار دسته‌های ارتجاعی حکومت نظیر دستر حیم‌خان مرتجع و فوشون حکومت محمد علیشاه و باربکا دقزاق را شکست دادند. در جریان مبارزات

یکی از اقدامات غیرانتخابی حکومت سازشکاران مرتجع پس از فتح تهران دستور خلع سلاح دسته‌های مسلح انقلابی بود. با خلع سلاح انقلابیون در واقع جنبش مشروطه از مهم‌ترین شبکه‌ها خود محروم گردید. این تکرار تاریخ است که هرگاه سازشکاران وضد انقلابیون به برکت مبارزات توده‌ای به حکومت میرسند بلافاصله در مقابل توده‌ها قدم می‌کنند و خلع سلاح عمومی را در دستور قرار میدهند. چنانچه پس از قیام بهمن ماه نیز دولت ضد خلقی سازشکاران بلافاصله به خلع سلاح توده‌های مسلح که با قیام مسلحانه خود بنیان بوسه سلطنت را از زگون کرده بودند اقدام نمود که البته در این کار موفق نشد.

- تحریک خلع سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسیده بخوبی این واقعیت را نشان داد که توده‌ها تنها به آنگاه نیروهای مسلح توده‌ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورند که حفظ نظامند.
- انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و نیمه نفوذ و سلطه امپریالیست‌ها را بر زمین مادست نخورد و باقی گذاشت.

بدین سبب اسلایسون مشروطیت ایران عملاً دچار سکت گردید و متوجه شد که او را ف و روحا نیون مرتجع شرایط را برای کودتای ۱۲۹۹ را ضا خان میرینج فراهم کرد و بدینطور که دمکراسی بسیار ناقص و نیم بند حاصل جنبش مشروطیت سبز (که حاصل ناتوانی حکومت در سرکوب جنبش بود) سرچیده شد و دیکتاتور ضد خلقی رسماً به دور جدیدی از حکومت ارتجاع و پایه گذاری نمود.

درس آموزی از انقلاب مشروطیت

حسن مشروطیت ایران یکی از جنبشهای با شکوه مدفئودالی - ضد استعماری خاور میانه به شمار میرفت و این جنبش در شرایطی به وقوع پیوست که هنوز طبقه کارگر ایران بطور محسوس با به عرصه وجود ننگه‌اشته بود و جنبشهای دهقانی نیز غالب برانگنده و بدون سازماندهی و برپا به منظور خود بخودی اتفاق می افتادند و بورژوازی ملی ایران در ضعف تاریخی و از رهبری انقلاب بورژوا - دمکراسیک ناتوان بود. اینها همه باعث میشدند تا رهبری مبارزات توده‌ای بدست روحانیون بزرگ، اشراف و... که تنها هیچ مبنای با انقلاب نداشتند بلکه عمیقاً زگسرتش جنبش توده‌ای در وحشت بودند بسیار فسد. البته در مناطقی شمالی ایران، بخصوص در آذربایجان بدلیل تاثیر پذیری از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز بیخبرها حرمت و رفت و آمدهای حمیست زبانی از آذربایجانها بمنظور کار در کارخانجات و بنا در قفقاز روسیه و در نتیجه انتقال سنن مبارزاتی جنبش کارگری روسیه به ایران وضع بر مبنای دیگری بود. در اینگونه مناطق رهبران سانسکی از میسان دهقانان فخریویا زحمتکشان شهری برخاستند و نظام رهبری مبارزات توده‌ای را در دست گرفتند. خصوصاً کمونیستهای دلاوری نظیر صدر عمواغلی، علی موسو و... که غالباً با اسلایسون روسیه و حزب سوسال دمکرات کارگری روسیه در ارتباط بودند نتوانستند رهبری جنبش مشروطه در آذربایجان را زکف سازشکاران لسیرالها، اشرافها و روحانیون بزرگ سسرون آورده و سوده‌های مبارزان انقلابی را سازماندهی و هدایت کنند. جنبش مسلحانه و همرا میز بر علیه دولت مرکزی اولسن با روسی از هرجا در تبریز قهرمانان حوشید و سفا و با هوئی و آشکار شیوه‌های انقلابی مبارزه‌ها شده‌های رفرمستی و سازشکارانه رهبران دروغین اسلایسون مشروطه نظیر سپهسایها و طباطبائیه

مبارزه‌ها به سپهر سرسبز محاهدسنی چون سازشکاران و باقر - خان که از زمان بوده‌ها برخاسته بودند رسماً دسه‌های فراوانی از خود سرور دادند و از محسوس - سوده‌ای گسترده‌ای سرخورد را گردیدند. حمایت سدر - سبغ اسلایسون قفقازی و حتی شرکت فعال سبیساری از کمونیستهای قفقاز در عملیات مسلحانه تبریز باعث افزایش چشمگرتوان قیامگران سربزمند. دسه‌های فدائیان مسلح به همرا هی مردم سواستند زرا دخانه سزرگ شهر تبریز را فتح کنند. اسن و افعه در تاریخ مبارزات آزادخواهانه خلق از اهمیت بسزایی سرخورد ارسود.

فنا سسر سزانت رشد جنبش انقلابی در سایر شهرها و سواحی نظیر امغان، خراسان و گیلان کردند. ارتجاع که جنبش سربز را مرکز انقلاب ایران تشخیص میداد به بحار هدا قضا دی اسن شهر قهرمان دست زد. اسلایسون مفاومت جاناته اسلایسون مسلح و توده‌های مردم تا مدتی را دی بوزمه‌ها حمین را به خاک می‌مالیدند. دولتهای امپریالیستی روس و انگلس شاه و ادرانجام موطئه‌های تاریخی فراوان می‌رسانند.

پس از گسرتش و تحکیم موقعیت اسلایسون در تبریز و گیلان و نیز تسخیر مردم ما بر نقاط بر علیه حکومت، شرایط برای حمله به تهران و تسخیر پایتخت مهیا گردید. اسلایسون کار توسط فدائیان مسلح سربزم شروع و سپس اسلایسون گیلان و سایر نقاط نیز حرکت خود را سوی تهران آغاز کردند. آنان پس از نبردهای سخت با فرمان محمد علیشاه، بالاخره در ۲۴ تیرماه ۱۲۸۸ پس از شکستن صفوف قزاقان و اردتهران نندند و مجلس را به تصرف درآوردند. سازشکاران شامل اشراف لسیرال، روحانیون و مجتهدین متنفذ و سساری از آنها می که خود را مل پیروزی کودتای ارتجاع بودند مجدداً سربزبکاری خود را در صفوف مشروطه خواهان جا ردد و در اثر معادن رهبری واحد انقلابی بر جنبش و عدم آگاهی توده‌ها نتوانستند بیروموج حدم مبارزات سز سوار شوند.

پس از فتح تهران بلافاصله حکومت ملاکی - لسیرال، روسیگران لسیرال و خوانین بختباری با حمایت وسیع روحانیون مرتجع تشکیل شد. آنان رژیم اسلایسون فئودالی را دست نخورده گذاشتند و مسائل انقلاب را حل سده‌ها نمودند. آری از نظر این خائنین اسلایسون دیگر سپهسایان رسیده بود و حتی در آن زیاده روی سده بود!

سغه ارفعه ۱ فلسطین ...

وامسال اوهم می داسندو بکرار می کنندولیی خودسان کاری حرسوا استفاده را بن قصه انجام میدهند برسانا هینا رسحا عی آنها حسن انعامتگند. اگرهینکا برسروحه کسب عمق دروع، برسرو رانی که سران جمهوری اسلامی حول قصه فلسطین بره ایداحه اند خوب روس می سود:

۱- رورفدین، رورجمعه آخر ماه رمضان، درسال گذشته ارسوی آیت الله حسینی بنسبها دورکراریدوهنج ریطی نامانزاراب بهرمانه خلق فلسطین وساسی اربا رسح براربرسدو چون اس خلق دلاوریدارد، اسحاجات چسین روری بی دلیل بنسب، سران رژیم جمهوری اسلامی عمده دارسده چون منارراب خلق فلسطین وانقلاب آن برمنای اسلامیت بنسب، اصلا بناد آرا قبول دانت. بوضوح اینکه، انقلاب فلسطین انقلابی است ملی - دموکراسک و صدا میرا لسی که میگوید ار ازطریق منارره مصلحا به بوده ای، اربس و فدرت دولتی صهیونیستهای نژادپرست راهرم شکسته برسرا نه آن، آنطور که خود از سال ۶۸ اعلام کرده اند "جمهوری دموکراسک فلسطین را که در آن مسحان و یهودسان و مسلحان بنا بنوا نند" از اده در کما رنگد بگر رسده گی کنند، بریا با زند، "از سوی دیگر، درحسین فلسطین، حی در خود با زمان الفصح، عا مبر کومسب هم فعالیت می کنند و سران جمهوری اسلامی با اسس استراتژی انقلابی موافق بنسند، بهمن دلیل رهبران جمهوری اسلامی ارا انقلاب فلسطین بشنای کامل و عملی نمی کنند و اس می کسند که حبه های فلسطینی و لسانی را ارحبه سردر پردنما سد. آری ما هیت انقلاب فلسطین، دموکراسک و صدامیرا لسی است ولی رژیم ایران، بنما سرما هیت خود اسرا دوست ندارد! ۲- در پیم آیت الله حسینی بنما سب "رورفدین" ونسزد رینام سبی صدور و نسحانی و بهسی و مفا حبه چتران بهمن مناسبت در سلور سرون، اگر بوجه کسند کلمه ای از انقلاب فلسطین سبی سنند و همه ما کندها روی "قدس" بعنوان جمله اول مملین و... است.

فلسطینی گفته، ایران آمده اند رسده است. هاسی - الحسین، بفرمای فلسطین درنهران را هارها کسند بمود که یکی اروزگی ها و افصحاراب خلق فلسطین اس است که مسحان آن، دو سادوس سلیمان در براسر اسقا لکران مفا وم کرده اند، همحسین بغداد فاسل سوچی ار رهبران و میثولس فلسطین، مسحی هسند ۴- رهبران جمهوری اسلامی، علیر عمدا و فوال و ادعای کمک به فلسطین، با امروز کوچکترین کمک مالی با سلححایی با سلیمی به انقلاب فلسطین نکرده اند جدا هسین روربا به جمهوری اسلامی در صحنه اول خود با سندر دست سویت: "ایران ۳۰ میلیون دلار سبه فلسطین کمک کرد!" ما سفا هه سبار کم اسد کسان که داند اس حریکی دروع بررگ است، اما حقیقت قصه حه سود؟

بواسندا فلسطینی ها در کبر سوب و سغان خوب لسان را علیه مفا وم فلسطین سور اسد و در صفت منحدسبروهای سرتی لسانی و فلسطینی اسحلال سنادار بدودر بصفت سبروهای منار علیه اسرا نسل و دست راسی ها اندام کسند؟ ررم اسرا آنقدر در حجاب اسرا مان امل "سورس راد آورده" که رهبری انقلاب فلسطین علیر عمدا مفا مفا کاری هاسرا اسرا ن حواس با سارمان امل را ارحا نکاری و در کسری سا سبروهای انقلاب فلسطین مانع سو د، ما در سارده های کذسند سکار، امل و خا منان آن در هیات حا کسه ایران را بارها افشا کرده اس.

رژیم جمهوری اسلامی در حوت منگوید: بی حوا هم "قدس" را آزاد کنیم ولی در عمل از اسرائیل مسلسل سوری حرداری میکند، به سنده (۱) زیر بوجه کسند

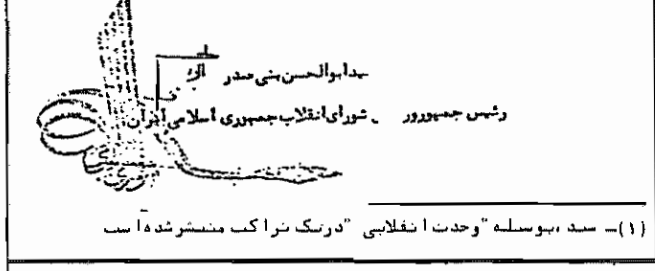
بشیرتانی
شیرتانی
پریست

مخده غمی ارفول با سر عرفات بعل سده بود که "ایران محوا سسه ۳۰ میلیون دلار ما کمک کند ولی ما سبدر سفا نم،" ولی در وعنا ه جمهوری اسلامی حبر را اسطور سفل کرده بود که ایران ۳۰ میلیون دلار به فلسطین کمک کرد! در سگ کلام با س کعب کسه ساسب ررم اسرا ن در سال فلسطین حرسا سب سو، اسفا ده سب، دولسب جمهوری اسلامی هم میل در کبر رژیمهای ارحاعی منطفه برای کسب آبروش سلس خودس برای سرتی ساشی، فلسطین را و حه ابعنا لحه بر ا راد ده اس، هر ومب منفعس با سدا رکمک به فلسطین - اسبه سدون سوسیت سنا حن انقلاب و حسین فلسطین بلکه سغان سلیمان آواره و قدس - دم برید و آگا هه کسه سفس بنسب سو گوئی اصلا قصه ای بسا م فلسطین و خود حار چی ندارد، سرای سبوه: برای رورفدین با سنا سده فلسطین جدمما حبه سلوز سوسی برسب مند هدولی در سال لکر اد انقلاب در حشها و ما سسهای ملی وانقلابی فلسطین (نظرا ول ژانوه، سال لکر دسبرد کرامه سها مسر ساه و...) با می ارفلسطین به میان سبی آورد، آحراس مناسیها ملی اسب سلا می و سبارا یس در جمهوری اسلامی با سده در آن بسب! ۵- سرکاری "رورفدین" حه در سال کده سوه و حه اسال سها سهای سوسرای (۱) - سد، بسوسله "وحدت انقلابی" در تک ترا کب منسشر شده اس کسان مردم به خیابان سسرای

لا حه قانونی راعع به اس اعتبار حبت حرد سلا حهای سارمانی مور دنناز شیرتانی حرد سب، اسلامی ایران

ماده فراسده:

بمنشور تازه من سلا حهای آزمانی مور دنناز شیرتانی جمهوری اسلامی ایران، اجاز ده داده می شود اعتباری حدود مبلغ چهل و چهار میلیون ریال او طر سسق بنسب دفاعی وزارت دفاع ملی تا ه من مبر اختیار سوانت تسلحا حهای وزارت دفاع ملی قرار گیرد تا سبت به سفارش سلا حهای آزمانی از قبیل رولور اسبت وسن و مسلسل سوری اقدام و به شیرتانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود. رب



و "جهاد برای آزادی قدس" ارسوع سو اسفاده هاشی اسب که در کبر رژیمهای ارحاعی بنسب به قرضه فلسطین اعمال می کسند با مردم خود را فریب دهند در اسرا ن اسلامی هم با سلا ح: "دعوا برسرحاف مسلا است" و قدمی در راه آزادی فلسطین و کمک به انقلاب آن برداسه سبی سو د.

در پانان اسن مفا له، ساد آوری منکسب که ۲۱ مرداد امدا ف اسب اس ساقط اردو کا فلسطینی سل - الزعتر، سو ده ها و انقلابیون فلسطینی با مفا وم ۷۰ روزه خودد ر سبار مفا صره سبروهای دست راسی فالانرسب روربیم سورس، حمانه ای حا و داسه در ساریح خلق فلسطین و کلسه حلفهای سب سبم و ما رآ فریبند.

هر چه کسرتده تر با دب سوبد میان خلفهای ایران و فلسطین

چرا که هات حا که مند اند طعهای ایران از سالها پیش تا کنون خود را با خلق فلسطین همسگر مند اسد و بدون سب و شرط حاضر ه کمک بدانها هسند، والا، اگر قصد رژیم، و ا مفا حایت از آزادی فلسطین اسب حرا نا وجود کسب سکا ل وسبم از قمام بهمن ماه روابط با سارمان آزادی سبخس فلسطین! زح حرف سنا و رسکرده اسب؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدسب حصران به سارمان دست راسنی امل آنقدر کمک مالی و سلححایی کرده که امروز اسن سارمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - حه سنا سبدر اخطر فالانرسب - های لسان - در آمده اسب؟ حرا حای کسب سون با سکا ههای سظا می و عملیاتی برای فلسطینی ها در اسرا ن، آفای چمران حندن اردو کا ه آموزش سظا می سرائی سارمان امل برسب داده س در لسان آنها بهتر

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاهوهای شیخ محمد منتظری

حق شناس: "محمد منتظری با فحاشی به من، درماندگی خود و طبقه و آیدنولوژی را نشان میدهد"

محله "پیا" انقلاب "ارگان سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد جاری براساس وظیفه‌ای که در خدمت دشمنان خلق دارد با برخی از "نودولتان" جمهوری اسلامی منجمله شیخ محمد منتظری به "مصاحبه" نشسته و علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی کمونیست به تشریحاتی و اتهامات سرایسا دروغ پرداخته است. اقدام این آقایان حلقه‌ای است از سلسله توطئه‌هایی که بورژواها و خرده‌بورژواهای عقب مانده و ضد انقلابی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان میهن ما تدارک می‌بینند.

وجود مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی جنبش کمونیستی برای قدرت حاصل می‌شود به‌خاری در چشم و استخوانی در گلو است و به‌جوری حضرات را به سرفه‌ای خفگان آورده است. آخر خوردن این نیروها سهل نیست. این لقمه گلوگیر است و از همان فردای قیام، بورژواها و خرده‌بورژواهای بقدرت رسیده را به نابودی تهدید کرده است. آنها دیوانه‌وار در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان، در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و غیا بناها نیروهای انقلابی را مورد یورش قرار داده‌اند و اندوکی غالباً نتیجه معکوس گرفته‌اند. مسلمان‌دمنشی آنها بالای جان‌شان خواهد شد زیرا نیروهای انقلابی، زحمتکشان و توده‌های آگاه شده خلق را با سرکوب و زور و فریب نمیتوان از میدان بدر کرد. ما به پیروزی توده‌های زحمتکش، اطمینان کامل داریم چرا که این حکم تاریخ و مبارزه طبقاتی است.

باد! - تکه زده است. مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران ترتیب داده و طی آن هرچندی که سزا نش آمده، فارغ از دره‌های حیا و سدور زیک خوانعاف و بی‌کسبه طبقاتی خودنشان را زمان مباحدن و رفیق تراب حق شناس (که چندین سال براساس موضع طبقاتی و سبب سابق خود عضویت آن سازمان را داده) نموده است.

شاید برای برخی عجیب بنمایند که چطور کسانی که اینچنین "جلوه سرعزاب و منبر میکنند" و بی‌سوسنه از اخلاق و صدق و راستگویی حرف می‌زنند و در دم با عمل پیش می‌آیند در صورت خلاف آن رفتار میکنند، اما سطر ما محبت نیست زیرا اخلاق محسوسای طبقاتی دارد. سرمایه‌داران و خرده‌بورژواها پس از کسب قدرت، چاره‌ای جز این ندارند که بیکبار تمام اصول و مفاهیم اخلاقی را که تا کنون از آن دم می‌زدند، در راه حفظ منافع طبقاتشان زیر پا بگذارند و دست‌خوردایشان از پیش رو بکنند.

برای خلق ساژکود است که آن مصاحبه سوالی برمی‌گردد که اطلاع دارد در چارحوب حمله ارجاع به نیروهای انقلابی و کمونیستی، مجله سپاه پاسداران، مصاحبه‌ای با شیخ محمد منتظری ترتیب داده و او در مصاحبه‌ای خود اسباب ریاضی به شما مباحدن رده است. لطفاً روابط خود را با زمان مباحدن خلق را در سالهای گذشته و روابطی که در حلقه‌های آیت‌الله خمینی و سرحی ارطالاب مبارزان سالها داشته‌اید برای خوانندگان ما توضیح دهید. جواب: چون هدف از این حطالاب و بی‌کسبه طبقاتی حمله‌کنندگان و ما همان ووحنشی که از رشد نیروهای کمونیستی و انقلابی در ریدبا رها از طرف سازمان و در همه‌جا به "سکار" تحت شده، سپهر است بدون مقدمه به پاسخ سئوال شما سیردارم:

ارست سال عمر مبارزانی من، چیزی بشنارده

- چرا آقای منتظری وعده‌ای دیگر از اصطلاح روحانیون مبارز سالهای گذشته، از مجاهدین وحتی کمونیستها پشتیبانی میکردند ولی حالا که بقدرت رسیده اند اینقدر وقیحانه پاپوش می‌دوزند، لجنس پراکنی می‌کنند و دروغ می‌بافند و شهت می‌زنند؟!
 - هرکسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر گنج و بلا تکلیفی و هر خرده بورژوا هم رشکسته‌ای که در نتیجه ناآگاهی و توهمات توده‌ها، اکنون بقدرت خزیده است سر را بلند کرده و برای کویدن میخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیستها و مجاهدین خلق پرتاب می‌کند. اما مگر می‌شود حقیقت را بسا دروغ و لجن پوشاند؟

از روز چهارم تیر ما که آیت‌الله خمینی طی یک سخنرانی مریختر از پیش مجاهدین خلق را مورد اتهام قرار داد و وحشت رژیم‌ها کم‌ارز شد روز افزون نیروهای انقلابی بیشتر آشکار گردید، حمله به نیروهای انقلابی و نشا رسیل شهت‌ها و دروغ‌ها و وقیحانه به کمونیستها و انقلابیون خستگی نا پذیر سالهای خفگان افزونتر گشت. هرکسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر گنج و بلا تکلیفی و هر خرده‌بورژوا محافظه‌کاری که در نتیجه ناآگاهی و توهمات توده‌ها اکنون بقدرت خزیده است سر را بلند کرده و برای کویدن میخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیستها و مجاهدین خلق پرتاب میکند. اما مگر میشود حقیقت را بسا دروغ و لجن پوشاند؟

آقای شیخ محمد منتظری، عزیز در دانش جمهوری اسلامی، ولیعهد زاده محترم ولایت فقیه، هفت تیر کشت روزهای پس از قیام، که چون عضو شورای مرکزی حزب حاکم و فرزند فقیه عالیقدر بود از هر گونه تعرضی در جمهوری اسلامی و جا معه "عدل علی" مومن ماند و فقط از سوی پدر خویش به داشتن اختلال حواس و روانی بودن موصوف گشت (۱) و امروز بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی - که تا می‌است شاسته و از انبشاشان

بدنبال نطق کمونیستی و صریحاً "مجاهدین" آیت‌الله خمینی در چهارم تیر ما گذشته که حزنی از بر ما بسع حساب حاکمه برای سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی بود، بسیاری فرصت را غنیمت شمرده و کوشیدند با حمله و اسام و دروغ هر چه برکتتر گوی سبقت را در خدمت به دشمنان انقلاب و امیرالاسم آمریکا از یکدیگر سربا یند. علاوه بر رورنا مه‌جمهوری اسلامی که چنین موضعگیریها "امتنای طبیعی" میباشد آقای دعاشی سربزست فعلی روزنامه‌اطلاعات، هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله ربانی و آیت‌الله منتظری و مشکینی و بالاخره شیخ محمد منتظری هر یک به فراخور موقعیت خویش در این کارزار ارتحاشی شرکت مستند و آنها مات دروغ‌ها و تحریفات آنان با رها و بارها از را دیون تلویزیون، پخش و در مطوعات درج گردید.

در پاسخ به سخنان آیت‌الله خمینی و تحریفات آشکارای که علیه نیروهای انقلابی، مجاهدین خلق و بویژه دونفر از رفقای ما (حسین روحانی و تراب حق شناس) که در سال ۵۸ بعنوان نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در نجف با آیت‌الله تماس گرفته بودند وجود داشت. ما پاسخ مقلی تهیه کردیم که مقدمه آن در پیکار ۶۱ چاپ شد و او در آن بخاطر برخی گرفتاریها و اشکالات فنی به تاخیر افتاد.

سال در سال مباحدن خلق ایران گذشته است (از اواسط سالهای ۴۰ تا سال ۵۴). من براساس موضع طبقاتی و آیدنولوژیکی خود در آن سالها در آن سازمان فعال شدم و بعدها براساس تجارت فکری و عملی که در کوران مبارزه روبا روی علیه امیرالاسم رژیم شاه‌خائن اندوخته بودم همراه با تعداد قابل توجهی از رفقا مارکسم‌لنینسم را پذیرا شدم. در یک دوره، ما مبارزه انقلابی خود علیه امیرالاسم و دیکتاتور سلطنتی را در قالب آیدنولوژی مباحدن که در ابتدا تنها برای مترقیانهای را از فرهنگ اسلامی ارائه میداد منعکس و قابل تبیین میدیدیم و همگاماً مکمل اشکالات آن سبب و ضعفهایش بی بریدیم چون سنگبری فطمی بسوی بیولتا ربا داشتیم و هدفمان مبارزه بررور علیه امیرالاسم و رهاشی زحمتکشان بویژه طبقه کارگر بود تردیدی در کنار گذاشتن پیش گذشت و قبول مارکسیسم لنینیسم نکردیم. من به جنبش تحولی در سربارزانی بخش مهمی از اعضای سازمان (منجمله خودم) افتخار میکنم بی آنکه زیرومها و برخی اشباها را که در جریان آن تحول در این بخش بوقوع پیوست بجوا هم ناندیده بگیریم. بحصل و نقد آن جریانات نارها از جانب سازمان ما (پیکار) هر چند مختصر اعلام و منتشر شده است من گوشه‌هایی از روابط سازمان مجاهدین خلق ایران با آیت‌الله خمینی و روحانیون دیگر را که در آن سالها براساس تضادی که خرده‌بورژوازی سا امیرالاسم و رژیم شاه داشت، با آن رژیم مبارزه میکردند، در پاسخ به سخنان آیت‌الله خمینی (مورخه ۴ تیر ما) نوشته‌ام آورده‌ام. قسمت اول از آن

(۱) - البته آقایان حاضر نیستند حکم این "قضیه" را که "ولایت" هم در رد رور خودشان اجرا کنند و شیخ محمدرضا سفه و دیوانه بنمایان آورند. آخر ما هیت مبتنی بر شیعیان دگما و بویژه معصومان و حاکم "خلق لباس" سو پیشینه تاریخی این نظام اسلامی است و چسبون داغ رنگ بر پیشانی این رژیم می‌ماند.

بدرخواست از رفیقان ما که در این مصاحبه با شیخ محمد منتظری هم‌همان تصور که در ابتدای این سخن گفتیم در مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد - به‌یاد و گوشیهایی وقیحانه - ای پرداخته و مشخصاً رفیق تراب حق شناس را مورد حمله‌های نا جوانمردانه خود قرار داده است. در اولین باره با رفیق به‌مصاحبه نشستیم تا حقیقت قضا را

بقیه از صفحه ۳

وزیر کار...

"آیا از شما برای تعیین سود ویژه نظر خواهی کردند یا خیر؟ اصلا شورای عالی کار چه کماترسی هستند؟"

روش است که لایق قانون سود ویژه، حرکتی آشکارا ضد کارگری و در جهت منافع سرمایه داران است. اگر وزارت کار بعنوان نماینده و مدافع سرمایه داران دست به چنین کاری میزند عیب آن این نیست که برای نموسود ویژه چرا با شما شوراهای شورت نگرده است، زیرا اثر از شما هم نظر خواهی میکردند با رژیم جمهوری اسلامی به چنین کاری دست میزد. زیرا این رژیم کسبه هرگز به ضرر سرمایه داران کاری انجام نمیدهد. این رژیم بخوبی میداند که با ربحان، گران و مشکلات کنونی را با بدبختی زحمتکشان بیندازد، این رژیم بخوبی میداند که برای تشویق بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در ایران، برای ایجاد "نظم" و "امنیت" برای سرمایه داران باید امروز سود ویژه را لغو کند، سود کارگران آنگاه و مابا رزق کند و بعد قانون نظمی را در کارخانه پدید کند و غیره. پس به فرض اینکه با شما شوراهای هم برای تغییر این قانون نظر خواهی میدادند شیری در این کار نداشت.

اما اینکه اصلا شورای عالی کار چه کماتی هستند، به این سوال خود وزیر کار را بپنظور جواب داد:

"سه نفر از نمایندگان شوراهای سندیکاها، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر نماینده دولت هستند. سه نفر از نمایندگان کارگران را با توجه به اینکه مکان تعیین نماینده از طرف کارگران نبود این افراد را من خودم با اجازه شورای انقلاب تعیین کردم."

این افراد عبارتند از: علی ربیعی، علی محمد عرب و یک نفر از نمایندگان که همه از عوامل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. همچنین وزیر کار میگوید:

"سه نفر نمایندگان کارفرمایان را هم از مدیران دولتی انتخاب کرده ایم و نه از کارفرمایان، و سه نفر دولتی را هم یک نفر از وزارت صنایع و معادن، یک نفر از شرکت نفت، یک نفر از وزارت کار تعیین شده اند..."

جناب وزیر کار میگوید که چون امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود، این افراد را خودشان با اجازه شورای انقلاب تعیین کرده اند.

ما سوال میکنیم بطور امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود؟ آیا از طریق رجوع به شوراهای کارگری و اتحادیه های موجود کارگری نمیشد نمایندگان واقعی کارگران را شناخت؟ روشن است که این کبار امکان پذیر بود اما وزارت کار نمیتواند چنین کاری بکند، زیرا منافع طبقه سرمایه داران این عمل مفایر است. سال گذشته هم چنین بود. آن زمان هم چون وزیر کار قبلی وقت نداشت عده ای را برای شورای عالی کار انتخاب کرد و خودش بریده و خودش دوخت و وقتی هم که حداقل حقوق کارگران ۵۶۷ ریال تعیین شد گفت: "این نظر خود نمایندگان شما بود که در شورای عالی کار ترا حساب کردند و نظرتی نداشتند." اما او شنید است که همه اینها دروغ محضی باشد و وقتی سیاسی منافع سرمایه داران در میان باشد حتما شورای انقلاب هم به نفع آنها مداخله میکند، اینرا ما در کلیه اعمال و حرکات ضد کارگری رژیم کنونی که شورای انقلاب تاکنون در آن بوده است به چشممان دیده ایم.

نفر دوم که پشت میکروفون رفتن کارگر میسر و زحمت کشی بود که از شورای کار کارها می سنگ سری نهران آمده بود و به درستی ضد کارگری بودن این قانون و دفاع آشکار آن را از سرمایه داران بیان کرد. او گفت که ما اصلا به حقوق ۱۰۸۰۰ ریال ۱۰ سال کار ما با سنگ سری میری ۴۰ تا ۵۰ تومان روی میمنت سنگ سیده اند. در حالی که قیمت سنگ تمام شده میری ۵۲ تومان است و قیمت سنگ در بازار حذین سرا بر بیش تر است. در حالی که یک کارگر سنگ سری با چند ساعت ۶۳۵ ریال حقوق میگیرد. این کارگر گفت:

"چرا شورای انقلاب سود ویژه را بر کارگران زده است؟ این واضح است که ما این کارها را نمیکنیم که سرمایه داران را بیشتر سود دهد. اگر میخواهد تورم را بسازد باید سود را از ما بگیرد و سرمایه داران را کم کند، نه حقوق ما را..."

پس از آن و بدالله سلطه نژاده "عضو شورای و هسات مدیر گروه شهریه ای میکروسوفت ریاست و ما وقت را به حرفی گذرانید و دست آخر گوشه ای هم به وزارت کار زد.

پس از آن خالعی ادا کرده جلسه دیگری وقت صحبت به کارگران بداد و خودش اعلامیه کارگران سوراخای اسلامی کارگران را خواند و پس از آن روز به کارگران میگوید که ما در صحبت کردیم.

لازم به تذکر است که اداره کندگان جلسه سعی و کوشش زیادی به کار میبردند اما مثل راست مالی کنند و با زرنگی خاص خودشان که آن هم کوشش برای آنست که کارگران و سرمایه داران است نمیکند اشتداد که کارگران در دلدل خودشان را بگویند و به افشاگری بپردازند. این عمل ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی بپردازند.

وزیر کار در صحبتها پیش ادا میکند که کارگر معجزه و واقعی اعلامیه سود ویژه را درست نفهمیده است. اما حرفهای او را که دروغ بودن آن بر همه کارگران روشن بود، تا شیری نداشت و برخی کارگران را به اعتراض می کشاند، و کارگری با صدای بلند میزد:

"وزیر کار را بد در پیش اما ما محاکمه بشود" این گفته با تا شاید قطع کارگران روبرو شد.

اما وزیر کار رول نمیگردد و به قول خودش اشباب میگرد که حقوق کارگران پس از لغو این قانون بیشتر هم شده است. وزیر کار را از زحمات شبانه روزی خودش برای تهیه این لایحه صحبت میگرد و گفت که:

"ما وقتی لایحه سود ویژه را نوشتیم و به شورای انقلاب بردیم بدون حتی یک رای مخالف تصویب شد."

حالا دیگر برای کارگران روشن است که چرا باید همه افراد شورای انقلاب با این لایحه موافق باشند و حتی یک نفر مخالفت نکند زیرا همه افراد شورای انقلاب مدافع سرمایه داران هستند و هیچ کدام آنها حتی ذره ای در جهت منافع کارگران کوشش نکرده و نخواهند کرد.

اما برای اعتراض کارگران و صحبتهای افشاگرانه شان وزیر کار مجبور شد کمی کوتاه بیاید و گفت که ما این قانون طاعتی را لغو کرده ایم، اما هنوز به جای آن قانونی نگذاشته ایم، شما طرحی بدهید تا به مجلس بفرستیم. این مجلس است که باید قانون در رابطه با مالکیت و اقتصاد اسلامی تصویب کند، آنها هستند که باید راه حل بدهند که سود به چه ترتیب تقسیم شود. آنجا سهم کارگران، سهم سود سرمایه، سهم بزرگان و غیره چقدر میشود و...

روشن است که اگر فردا هم مجلس قانونی وضع

کنند از آنجا که مجلسی میری سوده و جانمان هم میسر رژیم کسبی هستند سود کارگران را به سهم سود سرمایه بزرگان بزنند، سهم سرمایه داران... "مشم خواست کرد و با رهبریک چیزی هم از کارگران طلبکار میسرود. اما کارگران به کفهای و وزیر کار را عراض می کنند و یکی از کارگران! و راه عیوان سرمایه دار و خاش و... معرفی میکند. اعرافا با ریادی به سخنان وزیر کار رسید، ولی چون کردا به جلسه میخواست که کارگران صحبت کنند، وقت به آنها رسید دو میکرو فون شما ما در اختیار روبرو بود.

لازم است که در جلسات آمده، ما حتما به سندهای موجودمان برای ادا رجلسه انتخاب کنیم به اسم ادا رجلسه از سرمایه داران و وزیر مسخت آنها دفاع نشود.

در خانه وزیر کار گفت: "ما شما را قبول داریم ولی سه همه شما را، مثلا کرمی را (نما سنده کارگران کارخانه ساکا) که چیزی بوده است و در سوراخ انتخاب شده بود..."

در خانه ما دیگر هم حساب وزیر کار شما با بد هم بعضی شما را را قبول ندا شد با سدنرا آسها و شما را واقعی کارگری و مدافع کارگران هستند، هر کجا این سوراها به هفت کارگران تشکیل شد، شما فوراً با هزار مارتک و سرجب به آنها حمله کردید اما کارگران را نسبت به شما سندگان واقعی سان ندیدن کنند و از اب گل آلود ما می نگیرد، اما کور خوانده اید ما کارگران آنگاه سده اسم که ما بیسی سورا های فلابی و انجمنهای اسلامی که چشم و گوش حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و همپالکی های ما هستند را منحل کنیم و شما را سورا های کارگری واقعی را تقویت کرده و اجازه ندیم و از بس طریقی حقوق ما را که هر روز توسط سرمایه داران مزدور به عارت برده میسودند دست آوریم.

کارگران مبارز!

بآن امرادی که در خانه کارگر جمع شده است و دستگیر میسورند (مثلا علی ربیعی و عرب و...)، اما علاوه بر این سیاستهای ارتجاعی و مدافع حزب جمهوری اسلامی هستند و به کارگران شوراهای اسلامی کارگران (پلی تکنیک) که به سرتورند با پسرو سی صدر هستند هیچکدام حامی واقعی کارگران نیستند ما علاوه بر اهداف حزب جمهوری اسلامی را از علم کردن سود ویژه گفتیم. در این مقاله روشن شده عواما "کارگران شوراهای اسلامی کارگران" نه فقط دلشان به حال کارگران نمیسوزد بلکه سعی دارند با به انحراف کشانیدن مبارزات کارگران رهبری خود را بر آنسان اعمال نمایند.

کارگران مبارز!

تاما تجربه کارگران ما طی چند ساله اخیر و طی دهه ها ساله اخیر و تمام تجربیات کارگران جهان نشان داده است که همواره این امکان وجود دارد که احزاب حاشی به طبقه کارگری بتوانند طی دوره های مبارزه کارگران را بر بزرگ پرچم دروغی خود بکشند (نمونه حزب توده در سالهای ۳۲-۳۵) لیکن تجربیات بسیاری از کارگران جهان نشان داده است که کارگران هرگاه زیر رهبری واقعی خود (حزب طبقه کارگر) متشکل شوند خود را از دستورات منصفی خود را به نحو مطلوبی به پیش ببرند، بلکه در مبارزات سیاسی به عنوان یک طبقه متشکل و متحد شرکت کرده، قدرت سیاسی را بدست آورده و به سمت استقرار نظام سوسیالیستی و کمونیسم که منافع واقعی تمام کارگران و توده های زحمتکش در آن بر آورده میشود به پیش بروند.

چرا رژیم جمهوری اسلامی بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان را سرکوب میکند؟

ما در شماره‌های پیشین سکا رحمان مسار را با زمانندگان دادگاه شهدای سینما رکس درم کردیم اکنون در زمانی که رژیم‌های وهوی دادگاه غلبه برای بررسی پرونده سینما رکس برآهاده‌اند. ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟

یکی از زمانندگان ساندن اسی ومع دیگران را از خواب بیدار کردیم. ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟

ارما زمانندگان را با صبح درگیری‌های زنده کرده و ساعت ۷ صبح رها می‌کنند. ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟

مواسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام

حکمتنا بیتکاره اعدا مرتضی شهرام که از نسوی بیدارنگاه می‌که خود را "دادگاه انقلاب" می‌نامد در به‌ماد دوم مرداد و حتی تا به‌ترین تکلی در زندان اوین اجرا شد. ما مورین زندان در دادگاه اعدا مات کینه‌توزانه‌شان علیه شهرام - که انعکاس عده‌ها و کینه‌های ضدانقلابی‌شان علیه همه نیروهای انقلابی و کمونیست است - با خوانده‌ها غدار رفیق مرحور در های تا جواب‌های نمانده‌ای کردند و با آنان بدرفتاری بسیار نمودند. همچنین احاز زندان که جنازه خون خفته این رفیق شهید در آرمگاه شهیدان دفن کردند و سرانجام در گوشه‌ای از قطعه ۴۱ بهشت زهرا که ویژه دفن ضدانقلابیون، سا و کیها و غیره هست دفن شد!

و همچنین ما در مورد رفیق شهید تقی شهرام که در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ در زندان اوین درگذشت، به‌یاد می‌آوریم. شهرام در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ در زندان اوین درگذشت. شهرام در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ در زندان اوین درگذشت. شهرام در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ در زندان اوین درگذشت.

شبهه ۵۹/۵/۱۱ - راهپیمایی با شکوه مردم آبادان به حمایت از بازماندگان. ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟ آیا ما در کجای این پرونده سینما رکس قرار داریم؟

بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دورین در مشهد

روز چهارم مرداد مصادف بود با پنجمین سالگرد شهادت رفیق شهید علی اصغر دورین. به‌یمن مناسب با شرکت عده‌ای از بستگان و جمعی از دوستان و همفکران آن رفیق شهید مجلس یادبودی در شهرام و مشهد برگزار شد. دسته‌های گل و عکس بزرگ شده رفیق، مجلس را زینت می‌بخشید. یک پیام بزرگداشت از جانب دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان در مشهد و پویا می‌دیگر خطاب به ما در آن رفیق شهید قرائت گردید.

مجا همدین خلق ایران در آن سالهای خفقا نژده انجام میداد مورد بحث قرار گرفت. گرا میداشت شهدای انقلابی خلق بویژه کمونیستها، ما را توان تازه‌ای در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و برپایی جمهوری دموکراتیک خلق و سرانجام نیل به سوسیالیسم می‌بخشد. سازمان ما یکبار دیگر ضمن گرامی دانستن رفیق دورین و هم‌زمان رفیق شهید کفایش تهرانی با خانواده آن رفقا همدردی می‌کند، کوشش رفقای هوادار دیگر و دوستان را در این رابطه می‌ستاید و در راه تحقق هدفهای شهدان جنبش انقلابی و کمونیستی مصصا تهرامی سپرد. ضمنا یادنا ما بیدور رفیق شهید در یکجا ۲۵ چاپ شده است.

روز چهارم مرداد مصادف بود با پنجمین سالگرد شهادت رفیق شهید علی اصغر دورین. به‌یمن مناسب با شرکت عده‌ای از بستگان و جمعی از دوستان و همفکران آن رفیق شهید مجلس یادبودی در شهرام و مشهد برگزار شد. دسته‌های گل و عکس بزرگ شده رفیق، مجلس را زینت می‌بخشید. یک پیام بزرگداشت از جانب دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان در مشهد و پویا می‌دیگر خطاب به ما در آن رفیق شهید قرائت گردید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست